

پیوند پارسی: واو عطف*

بهرام گرامی

ویراستار مشاور دانشنامهٔ ایرانیکا

هما عصار

مترجم و نویسنده

چو آب می‌رود این پارسی به قوت طبع
نه مرکبیست که از وی سبَق برد تازی

سعدی

امروزه در زبان فارسی دو معادل برای واژهٔ انگلیسی *and* یا فرانسوی *et* وجود دارد، یکی “و” در نوشتار و گفتار رسمی و دیگری “و” در گفتار غیررسمی و خودمانی. ولی در گذشته چنین نبود. از یک سو “و” حرف ربط یا عطف در زبان عربی است و ملاط مناسبی بین واژه‌های فارسی نیست و از سوی دیگر، کاربرد “و” محدود به گفتار نبوده و در نوشتارهای فارسی نیز طی قرن‌ها نقش رابط بین دو کلمه را بر عهده داشته است. با این همه، چون حرفی برای نشان دادن آن وجود ندارد و گذاشتن حرکت هم بر روی حروف فارسی متداول نیست، جای خالی آن با واو عربی پر شده است. مروری بر دیوان

*موضوع این جستار را هما عصار طرح کرده است. نصرت‌الله ضیایی و دکتر محمدحسین مصطفوی جباری با امتنان قلبی از دکتر علی‌اشرف صادقی، جناب برای خواندن متن و طرح پیشنهادهای سودمند.

Bahram Grami and Homa Assar, “Conjunctive Vav,” *Iran Namag*, Volume 1, Number 4 (Winter 2017), 210-213.

بهرام گرامی دانش‌آموختهٔ دکتری علوم گیاهی دانشگاه مانیتوبای کانادا و مؤلف گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی با مقدمهٔ ایرج افشار (۱۳۸۹)، سنگ و گهر در هزار سال شعر فارسی (۱۳۹۴) و گیاهان در قرآن با مقدمهٔ بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۹۵) است.

Bahram Grami <bgrami@yahoo.com>

هما عصار دانش‌آموختهٔ زیست‌شناسی دانشگاه مونترئال کانادا و مترجم متون علوم زیستی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی است.

Homa Assar <sepidasp@yahoo.com>

حافظ نشان داد که در این دیوان، پیوند پارسی به صورت گوش‌نواز و دلنشین ^۴ خوانده می‌شود، مگر در موارد خاص که چنین خوانشی امکان‌پذیر نیست.

”و“ با نام ”واو“ حرف سی‌ام از الفبای فارسی (قبل از ه) و بیست‌وهفتم از الفبای عربی (بعد از ه) است. این حرف به صورت حرف صدادار کشیده در فارسی، مانند ”زود“ (zud)، و در عربی، مانند ”نور“ (nur)، به کار می‌رود. به علاوه، ”واو“ در عربی با صدایی برابر با w انگلیسی و در فارسی با واج صامت لبی/دندانی شبیه v انگلیسی (وَحید = wahid عربی vahid = فارسی) به کار می‌رود. در زبان عربی صدای v وجود ندارد و در صورت لزوم آن را با حرف سه‌نقطه‌ای ”ف“ (ویکتوریا = فیکتوریا = Victoria) می‌نویسند. تفاوت این دو صدا در دو فعل فارسی ”بود“ و ”بُود“ آشکار است.

عمده‌ترین کاربرد حرف ”و“ یا ”واو“ در عربی به صورت حرف عطف^۲ یا واو عطف است که تلفظ آن ”و = wa“ است و دو کلمه مانند حسن و حسین یا دو جمله مانند ذَهَبَ حَسَنٌ وَ جَاءَ حُسَيْنٌ (حسن رفت و حسین آمد) را به هم می‌پیوندد. واو عطف در پهلوی به صورت ”او = u“ تلفظ می‌شده و در قرون نخستین اسلامی نیز به همین صورت بوده و بعدها به صورت ”اُ = o“ درآمده است، مانند حسن اُ حسین یا حسن رفت اُ حسین آمد. وقتی الفبای عربی به زبان فارسی راه یافت، واو عطف عربی به همان صورت، ولی با تلفظ va به جای wa (یکی از تفاوت‌های عمده بین فارسی‌زبانان و عربی‌زبانان) در فارسی به کار گرفته شد.^۳ در واقع، واو عطف عربی ملاط زبان فارسی شد و به نقل از فرهنگ معین، ”در تلفظ هرج و مرجی پدید آمد.“^۴

برای آنکه بدانیم واو عطف در گذشته چگونه خوانده می‌شده، ناچار به سراغ شعر قدیم فارسی رفتیم تا به تبعیت از وزن شعر، خوانش آن را دریابیم. دیوان حافظ^۵ را برگزیدیم که در آن، ۲۱۵۳ بار ”و/حرف ربط“ یا همان واو عطف آمده است.^۶ از ۴۸۶ غزل در این دیوان، ۱۰۰ غزل اول را انتخاب و تلفظ همهٔ موارد واو عطف، بالغ بر ۴۷۰ مورد، را در آنها بررسی کردیم و در دو گروه قرار دادیم: خوانش عمومی با صدای ”اُ = o“ و خوانش در موارد خاص با صدای ”وُ = vo.“

^۲ عطف، ریشهٔ عاطفه، به معنی مهر ورزیدن، متمایل شدن و مرتبط کردن یا پیوند دادن است.

^۳ از یادداشت دکتر ژالهٔ آموزگار به بهرام گرامی: ”ما در زبان فارسی ”و“ نداریم، بلکه ”اُ“ داریم، چنان که در محاورهٔ معمولی ”و“ به کار نمی‌بریم و این کلمه تحت تأثیر عربی ”و“ تلفظ شده است.“

^۴ محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱).
^۵ خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان حافظ، تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری (چاپ ۲؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲).
^۶ مهین‌دخت صدیقیان و ابوطالب میرعابدینی (گردآورندگان)، فرهنگ واژه‌نمای حافظ به انضمام فرهنگ بسامدی بر اساس حافظ خانلری (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶).

۱. خوانش عمومی واو عطف با صدای "o = ُ" این خوانش شامل حدود ۴۰۰ مورد، چه بین دو کلمه مانند دو بیت زیر و چه بین دو جمله مانند دو بیت بعد، است:

فریاد که از شش جهتم راه ببستند
آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز
تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند
گل آدم بسرشتند و به میخانه زدند

آنکه پامال جفا کرد چو خاک راهم
خاک می بوسم و عذر قدمش می خواهم

۲. خوانش واو عطف در موارد خاص با صدای "vo = ُو" واو عطف در چهار حالت زیر ناگزیر به شکل "و" خوانده می شود.

الف. بعد از حرف صدادار "آ،" با دو شاهد:

صلاح کار کجا و من خراب کجا
ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا
هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو
کبر و ناز و حاجب و دربان در این درگاه نیست

ب. بعد از حرف صدادار "و،" با دو بیت شاهد:

من آن نیام که دهم نقد دل به هر شوخی
در خزانه به مهر تو و نشانه توست

حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو
که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را

ج. بعد از های غیرملفوظ، با دو بیت شاهد:

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
پیرهن چاک و غزل خوان و صراحی در دست

باده و مطرب و گل جمله مهیاست ولی
عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست

د. در ترکیب و تخفیف با کلمه بعد. این گونه موارد بیشتر در آغاز مصراع دوم، یعنی در عطف به مصراع اول، واقع می‌شود و آن را واو ابتداء نیز می‌گویند.^۷ پُربسامدترین آنها به ترتیب عبارت‌اند از وَر (و اگر)، وَز (و از)، وین (و این) و وآن (و آن). سه بیت زیر از یک غزل و دو بیت بعد از غزلی دیگر شواهدی از این موارد را به دست می‌دهند:

در نعل سمنند او شکل مه نو پیدا
وَز قد بلند او بالای صنوبر پست
شمع دل دمسازان بنشست چو او برخاست
وآفغان ز نظر بازان برخاست چو او بنشست
گر غالیه خوشبو شد در گیسوی او پیچید
وَر وسمه کمان کش گشت در ابروی او پیوست

آن شمع سرگرفته دگر چهره برفروخت
وین پیر سالخورده جوانی ز سرگرفت
آن عشوه داد عشق که تقوی ز ره برفت
وآن لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت

باید افزود که در شعرهای ملّع (بیت‌ها و مصراع‌های عربی) دیوان حافظ، واو عطف به سیاق زبان عربی، ولی با تلفظ فارسی، به صورت "و = va" خوانده می‌شود:

أَلَا يَا أَيُّهَا السَّاقِي أَدِرْ كَأَسَا وَ نَاوِلْهَا (ساقیا پیمان‌های به گردش آور و بر ما بپیمای)
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها
وفا خواهی جفاکش باش حافظ
فان الرّيح و الخسران في التّجر (همانا سود و زیان است در بازارگانی)

نتایج به دست آمده از این بررسی به روشنی نشان می‌دهد که در سراسر دیوان حافظ پیوند پارسی، بین دو کلمه یا دو جمله فارسی، به صورت "أ = o" خوانده می‌شود، مگر در موارد خاص که چنین خوانشی امکان‌پذیر نیست. به تبع این نتایج، زین پس در گفتار به جای "و" عربی "أ" فارسی بگوییم و به‌ویژه در خواندن نوشته‌های فارسی، در رسانه‌ها، "و" عربی را به صورت "أ" فارسی بخوانیم که گوش‌نوازتر و دلنشین‌تر است.

^۷ لغتنامه دهخدا.